

به نام یزدان پاک

همه سوال های

زبان و ادبیات عربی

(جلد ۷)

۱۴۰۳

تالیف و تدوین

گروه مولفین پردازش

## فهرست مطالب

### آزمون کارشناسی ارشد زبان عربی ۱۴۰۳

|      |                                                |
|------|------------------------------------------------|
| ۱۲۰۴ | صرف و نحو.....                                 |
| ۱۲۰۷ | پاسخ‌نامه صرف و نحو.....                       |
| ۱۲۲۲ | معانی و بیان و بدیع.....                       |
| ۱۲۲۴ | پاسخ‌نامه معانی و بیان و بدیع.....             |
| ۱۲۴۰ | تاریخ ادبیات .....                             |
| ۱۲۴۳ | پاسخ‌نامه تاریخ ادبیات .....                   |
| ۱۲۵۹ | ترجمه و اعراب گذاری متون ادبی.....             |
| ۱۲۶۲ | پاسخ‌نامه ترجمه و اعراب گذاری متون ادبی.....   |
| ۱۲۷۶ | ترجمه از عربی به فارسی و بالعکس.....           |
| ۱۲۸۰ | پاسخ‌نامه ترجمه از عربی به فارسی و بالعکس..... |
| ۱۲۹۶ | مهارت‌های زبانی.....                           |
| ۱۲۹۹ | پاسخ‌نامه مهارت‌های زبانی.....                 |
| ۱۳۱۶ | منابع.....                                     |

## آزمون کارشناسی ارشد زبان عربی ۱۴۰۳

### صرف و نحو



□□ عین الخطأ فی الجواب عن الإعراب و التحلیل الصرفی (۵۸۳۳-۵۸۳۷)

۵۸۳۳. (و إن هذا لرزقنا ما له من نفاد):

(۱) رزق: خبر «إن» المفرد، و اللام حرف ابتداء تزلزلت عن صدر الجملة كراهية ابتداء الكلام بمؤكدین

(۲) نفاد: اسم «ما» شبيه ب «ليس» المؤخر، مجرور في اللفظ بحرف «من» الزائدة و مرفوع محلاً

(۳) له: جار ومجرور و متعلقهما محذوف، و شبه الجملة خير مقدم للمبتدأ و «نفاد»

(۴) ما: حرف نفی غیر عامل، لا يعمل عمل «ليس» لتقدم الخبر على الاسم

۵۸۳۴. «وإني لعبد الضيف مادام ثاوياً و ما في إلا تيك من شيمة العبد»:

(۱) ما حرف شبيه ب «ليس» و من النواسخ، اسمه «تيك» المؤخر، و خبره «في» المقدم و شبه الجملة

(۲) مادام: «ما» حرف مصدرى و ظرفى، «مادام» من الأفعال الناقصة، و مؤول بالمصدر تأويله «مدّة دوامه»

(۳) تيك: «تي» اسم إشارة للقريبة، و الكاف حرف الخطاب، و لا تعمل فيها «ما» شبيه ب «ليس» أو الحجازية لانتقاض نفيتها بحرف «إلا»

(۴) ثاوياً: اسم - مفرد مذكر - مشتق و اسم فاعل ( مصدره: «ثاء» ) - نكرة - معرب - منقوص / خبر مفرد و منصوب الفعل «مادام»

۵۸۳۵. «ما لى أراكم كلکم سكوتا و الله ربى خلق البلهوتا»:

(۱) ما: اسم غير متصرف من أدوات الاستفهام، مبتدأ و مرفوع محلاً، لى: جار ومجرور و متعلقهما محذوف، و شبه الجملة و خبر

(۲) كلّ: مؤكّد معنوى و منصوب بالتبعية؛ سكوتا: مفعول ثانٍ أو حال بمعنى «ساكتين» للمبالغة جاء هكذا

(۳) الله: اسم مفرد، مبتدأ و مرفوع و الجملة اسمية و حالية و فى محلّ نصب، و الرابط الواو الحالية

(۴) أرى: فعل مضارع للمتکلم وحده من باب افعال؛ سكوتا: مصدر و تمييز نسبة و منصوب

۵۸۳۶. «فقل للشامتین بنا أفيقوا سیلقى الشامتون كما لقينا»:

(۱) كما: الكاف: بمعنى اسم غير متصرف و ملازم للإضافة / مفعول به و منصوب محلاً؛ «ما»: موصول عام، و مضاف إليه و فى محلّ جر

(۲) يلقي: مضارع - للغائب - مجرد ثلاثى - متعدّد - معرب / فعل و مرفوع بضمّة مقدّرة، فاعله «الشامتون» و الجملة فعلية

(۳) أفيقوا: فعل أمر - للمخاطبين - مزيد ثلاثى (من باب افعال) - معتل و أجوف (إعلاله بالإسكان بنقل الحركة) / فعل و فاعله ضمير الواو البارز

(۴) لقينا: ماضٍ - للمتکلم مع الغير - معتل و ناقص / فعل و فاعله ضمير «نا» البارز و الجملة فعلية و صلة و رابطها ضمير «نا»

۵۸۳۷. «إن رأتنى تميل عني كأن لم تك بينى و بينها أشياء»:

(۱) تميل: مضارع - للغائبة - معتل و أجوف (إعلاله بالإسكان بنقل الحركة) - معرب / فعل جواب شرط و مرفوع وجوباً لأنّ فعل الشرط ماضٍ

(۲) أشياء: اسم - جمع مكسر أو تكسير ( مفرد: شىء، مذكر ) - جامد - نكرة - معرب - ممدود ممنوع من الصرف / اسم «كان» المؤخر و

مرفوع

(۳) رأّت: ماضٍ - مجرد ثلاثى - معتل و ناقص (إعلاله بالقلب و الحذف) - متعدّد - مبنى للمعلوم / فعل شرط و مجزوم محلاً و فاعله الضمير

المستتر فيه جوازاً تقديره «هى»

(۴) تك: مجرد ثلاثى - معتل و أجوف (إعلاله بالإسكان و الحذف) - معرب / فعل من الأفعال الناقصة و هى من النواسخ، اسمه «أشياء» و خبره

شبه الجملة «بينى ...»



□□ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۵۸۳۸-۵۸۵۲)

۵۸۳۸. عین الخطأ ( في صيغة الأفعال):

- (۱) أنتم تدعون ... / أنتن ترمين ...  
(۲) أنتم لم تدعوا ... / أنتن لن ترمين ...  
(۳) أنتما لم تدعوا ... / أنتما أن ترميا ...  
(۴) أنتما لم تدعوا ... / أنتما لن ترميان ...

۵۸۳۹. عین الخطأ:

- (۱) احترموا من زارتكم من السيدات!  
(۲) رأيت من النساء من تصبر على المصائب!  
(۳) زُرنا من الإخوان من يُكرمن الضيوف!  
(۴) رأيت من النساء من تصبرن على المصائب!

۵۸۴۰. عین الخطأ في التصغير:

- (۱) سربال ← سربيل  
(۲) عدة ← عويدة  
(۳) أطراف ← أطيراف  
(۴) مكتوب ← مكّتيب

۵۸۴۱. عین المضارع المرفوع:

- (۱) قد يهتدي العنود فنأمل منه الخير!  
(۲) لا تعص الله و ينزل عليك النعمة!  
(۳) لا تعاشر البخلاء و تكذب في الكلام!  
(۴) لم تزل مهتمّاً باللغات السامية فتتقدّم!

۵۸۴۲. عین ما لا يحتاج إلى فاء الجزاء ( لتصحيح بنية الجملة):

- (۱) ان يُتحفك هو متلطّف!  
(۲) متى تصمد يقدّر لك النصر!  
(۳) من يسع سوف ينج!  
(۴) ما تعمل من صالح لن تندم!

۵۸۴۳. عین الماضي يدلّ على الحال:

- (۱) قال البائع في مكتبه بعثك سيّرتي!  
(۲) رحم الله امرأ رحم أخاه و لم يصعب عليه!  
(۳) إن علمت كم يضرّك الكسل لابتعدت عنه!  
(۴) بادر العمل حينما عزمّت عليه و لا تفت فرصة!

۵۸۴۴. عین ما ليس فيه المفعول به:

- (۱) نحن ذوى الإيمان أجدر الناس بالعفاف!  
(۲) الإيمان و حسن الخلق! فإنهما سجينان محمودتان!  
(۳) هل اليتيم أخذت بيده و ذهبت به إلى مأمن!  
(۴) الكذب و الغيبة هل سمعت منّا!

۵۸۴۵. عین الخطأ ( في صياغة المبنى للمجهول):

- (۱) ما أقبح بالمره أن يُغار عليه و لا يُغير!  
(۲) نعم المره من يتعظ بمن سبقه قبل أن يتعظ به!  
(۳) لا يدرك الحقّ إلّا بواسطة من يطلبه!  
(۴) الجهاد لو ترك رغبة عنه، فلينتظر الدّل تاركه!

۵۸۴۶. عین الخطأ في إعراب المضارع:

- (۱) اجتهدن آيئها الطالبات تنجحن في الامتحان!  
(۲) ما كانت المتكاسلات لينجحن في الامتحانات!  
(۳) ما كان المتكاسلون لينجحن في الامتحان!  
(۴) اجتهدوا أيّها الطلبة تنجحوا في الامتحانات!

۵۸۴۷. عین ما ليس فيه المفعول معه:

- (۱) رأيّتك أنت و أباك ماشيين!  
(۲) اختصم الرجل و جاره.  
(۳) واكل أمره و اللّياليا.  
(۴) زيد سائر و الطّريق.

۵۸۴۸. عین المشغول عنه مرفوعاً وجوباً:

- (۱) إن الضّعيف واجهته ساعده في القيام بأعماله!  
(۲) هذا السّراج كأنه شمس ساطعة!  
(۳) أ دروسك تُطالعها كلّ ليلة قبل النوم؟  
(۴) هل أولئك الضيوف عرفتهم؟

۵۸۴۹. عین ما ليس فيه جملة وصفية:

- (۱) من وثق بماء لم يظمأ!  
(۲) وقر سمع لم يفقه الواعية!  
(۳) ربط جنان لم يفارقه الخفقان!  
(۴) عرب رأى إمري تخلف عني!

٥٨٥٠. عَيِّنَ الحال الجامدة مؤوَّلةً إلى المشتق:

- (١) لقد آنَ العام الدراسي الجديد أربعة أسابيع ولكنَّ الطلبة المرضى لم يحضروا بعد!
- (٢) بعد أن انتهيت من امتحاناتي خطر ببالي أن أصنع حقيبة قماشاً!
- (٣) اشتريت الكراسي كلَّ واحد منها بخمسة آلاف تومان!
- (٤) سرت يوم أمس في شاطئ البحر ففقدت خاتمي ذهباً!

٥٨٥١. عَيِّنَ الخطأ ( في العدد أو المعدود):

- (١) مكثت في هذه المدينة تسعة أشهر.
- (٢) طالعت الفصل الثاني عشر من هذا الكتاب.
- (٣) نجح في هذا الامتحان ثلاث آلاف و خمسون طالبة.
- (٤) اشترك في هذا الامتحان أكثر من ثلاثة عشر ألفاً و عشرة طالبة.

٥٨٥٢. عَيِّنَ الخطأ في المنادي:

- (١) يا تقيَّ ابنَ أختي! ...
- (٢) يا زميلتي فاطمة و مريم! ...
- (٣) يا صادقاً في كلامه؛ طوبى لك!
- (٤) يا حسنَ بنَ تقيٍّ؛ تفضَّل عندى!



۵۸۳۳. گزینه ۲)

گزینه دوم که به عنوان پاسخ نادرست مشخص شده، درباره کلمه "نفاد" است. در این گزینه، "نفاد" به عنوان اسم "ما" شبیه به "لیس" معرفی شده و گفته شده که مجرور است، اما در واقع مرفوع است.

**دلیل نادرستی:**

- **ساختار جمله:** در ساختار جمله "ما له من نفاد"، "ما" به معنای "چیزی نیست" است و ساختاری شبیه به "لیس" دارد. اما پس از "ما" در این ساختار، معمولاً اسمی می‌آید که نقش نفی شده را دارد و این اسم باید مرفوع باشد.
- **نقش "نفاد":** در اینجا، "نفاد" همان اسم مرفوعی است که نقش نفی شده را دارد و به معنای "پایان" یا "انتهای" است. پس باید به صورت مرفوع اعراب گذاشته شود.
- **حرف "من":** حرف "من" در اینجا حرف جر است و "نفاد" را مجرور می‌کند، اما این مجروریت ظاهری است و مجروریت اصلی "نفاد" رفع می‌شود و به صورت مرفوع ظاهر می‌شود.

**تحلیل گزینه صحیح (گزینه ۱):**

گزینه اول درباره کلمه "رزق" است و به درستی آن را خبر "إن" مفرد معرفی کرده است. "لام" نیز به درستی به عنوان حرف ابتداء شناخته شده است.

**دلیل صحت:**

- **"رزق" به عنوان خبر "إن":** در جمله‌های انشایی، کلمه بعد از "إن" معمولاً خبر "إن" است و در اینجا "رزق" این نقش را دارد.
  - **"لام" به عنوان حرف ابتداء:** "لام" در ابتدای جمله اغلب به عنوان حرف ابتداء استفاده می‌شود و جمله را آغاز می‌کند.
- مقایسه گزینه نادرست با سایر گزینه‌ها:**

- **گزینه ۳:** در این گزینه، "له" به درستی به عنوان جار و مجرور شناخته شده است.
- **گزینه ۴:** در این گزینه، "ما" به درستی به عنوان حرف نفی غیرعامل شناخته شده است.
- **دلایل عدم انتخاب گزینه‌های ۳ و ۴:** این دو گزینه از نظر اعراب کلمات دیگر مشکلی ندارند و تنها گزینه نادرست، گزینه ۲ است.

**قواعد صرفی و نحوی مرتبط:**

- **جمله انشایی:** جمله‌ای است که برای بیان حکم یا خبر استفاده می‌شود.
- **خبر "إن":** کلمه‌ای است که بعد از "إن" می‌آید و خبر یا محمولی را برای موضوع جمله بیان می‌کند.
- **اسم "ما" شبیه به "لیس":** ساختاری است که در آن "ما" به معنای "چیزی نیست" است و پس از آن اسمی می‌آید که نقش نفی شده را دارد.
- **حرف جر:** کلمه‌ای است که برای ارتباط دادن دو کلمه یا عبارت استفاده می‌شود.
- **مرفوع و مجرور:** دو حالت اعرابی هستند که نشان‌دهنده نقش کلمات در جمله هستند.

۵۸۳۴. گزینه ۱)

همانطور که در سوال اشاره شده، گزینه ۱ دارای اشتباه است. بیابید به صورت مفصل این اشتباه را بررسی کنیم:

**اشتباهات گزینه ۱:**

۱. **"ما" حرف شبیه به "لیس" نیست:** در این جمله، "ما" به معنای "آنچه" است و به عنوان اسم معطوف به "تیک" عمل می‌کند. این "ما" با "ما"ی نفی و یا "ما"ی استفهام متفاوت است.
۲. **"فی" خبر نیست:** "فی" حرف جر است و به "تیک" اضافه شده است. این کلمه نقش خبر را ایفا نمی‌کند.
۳. **شبه جمله بودن "فی":** ساختار جمله به گونه‌ای نیست که "فی" به عنوان شبه جمله عمل کند. شبه جمله معمولاً یک عبارت فعلی یا اسمی است که نقش جمله را ایفا می‌کند، اما در اینجا "فی" صرفاً یک حرف جر است.

**تحلیل صحیح عبارت:**

- **وَأَنَّى لِعَبْدِ الضَّيِّفِ:** و من بنده مهمان هستم.



- مادام ثاوياً: تا زمانی که ساکن است.
- و ما فی الا تیک من شیمۃ العبد: و در من جز این خصلت بندگی نیست.
- تحلیل سایر گزینه‌ها
- گزینه ۲: تحلیل فعل "مادام" و معنای آن صحیح است. "ما" در اینجا حرف مصدری و ظرفی است و "مادام" فعل ناقصی است که دلالت بر استمرار دارد.
- گزینه ۳: تحلیل اسم اشاره "تیک" و نقش حرف "الا" صحیح است. "الا" در اینجا به معنای "مگر" است و نفی را محدود می‌کند.
- گزینه ۴: تحلیل کلمه "ثاوياً" به عنوان اسم فاعل و خبر جمله صحیح است.
- دلایل عدم انتخاب گزینه‌های دیگر
- گزینه ۲: تحلیل دقیق و صحیحی از فعل "مادام" ارائه شده است.
- گزینه ۳: تحلیل نقش "تیک" و "الا" در جمله صحیح است.
- گزینه ۴: تحلیل اسم فاعل "ثاوياً" و نقش آن در جمله صحیح است.
- اطلاعات تکمیلی و تخصصی
- حروف مشابه "لیس": این حروف در جملات نفی و سلبی به کار می‌روند و ساختار خاصی دارند. "ما" در این جمله از این دسته نیست.
- اسم معطوف: اسمی است که به اسم دیگری اضافه می‌شود و با آن هم جنس و هم معنی است. "تیک" در اینجا اسم معطوف به ضمیر مستتر در "فی" است.
- شبه جمله: گاهی اوقات یک عبارت یا جمله می‌تواند به عنوان یک عضو از جمله عمل کند. اما در اینجا "فی" صرفاً حرف جر است.
- اسم فاعل: اسمی است که از فعل مشتق می‌شود و دلالت بر فاعل فعل می‌کند. "ثاوياً" در اینجا اسم فاعل از فعل "ثوی" است.
- نتیجه‌گیری:
- اشتباه اصلی در گزینه ۱، سوء تفاهم در مورد نقش "ما" و "فی" در جمله است. با درک صحیح نقش هر کلمه و ساختار جمله، می‌توان به تحلیل دقیق و صحیحی از عبارت دست یافت.
- ۵۸۳۵. گزینه ۴)
- همانطور که در سوال اشاره شده، گزینه ۴ دارای اشتباه است.
- اشتباهات گزینه ۴:
- ۱. سکوتاً مصدر و تمییز نیست: "سکوتاً" در این جمله مفعول ثانی فعل "أری" است. این کلمه نشان می‌دهد که گوینده چه چیزی را در دیگران می‌بیند (یعنی سکوت).
- ۲. تمییز نسبت: تمییز نسبت به اسمی گفته می‌شود که جنس یا نوع چیزی را مشخص کند. در اینجا "سکوتاً" جنس یا نوع چیزی را مشخص نمی‌کند.
- تحلیل صحیح:
- "أری": فعل مضارع است و به معنای "می‌بینم" است.
- "سکوتاً": مفعول ثانی فعل "أری" است و به معنای "سکوت" است.
- تحلیل سایر گزینه‌ها
- گزینه ۱: تحلیل کلمه "ما" و ساختار جمله تا حدودی صحیح است، اما می‌توان دقیق‌تر آن را تحلیل کرد. "ما" در اینجا نه تنها اسم استفهامی، بلکه حرف جر نیز هست و ساختار جمله را به صورت جمله شرطیه معرفی می‌کند.
- گزینه ۲: تحلیل کلمه "کل" به عنوان مؤکد معنوی و "سکوتاً" به عنوان مفعول ثانی یا حال صحیح است.
- گزینه ۳: تحلیل جمله "الله ربی خلقَ البلهوتا" به عنوان جمله حالیه صحیح است.
- دلایل عدم انتخاب گزینه‌های دیگر
- گزینه ۱: اگرچه تحلیل کلی صحیح است، اما می‌توان آن را دقیق‌تر بیان کرد.
- گزینه ۲: تحلیل صحیح است.



- گزینه ۳: تحلیل صحیح است.

#### اطلاعات تکمیلی و تخصصی

- **مفعول ثانی:** مفعولی است که به فعل لازم اضافه می‌شود و معمولاً نشان‌دهنده نتیجه فعل یا چیزی است که فعل بر آن واقع می‌شود.
  - **تمییز نسبت:** اسمی است که جنس یا نوع چیزی را مشخص کند و به اسمی که جنس یا نوع آن را مشخص می‌کند، اضافه شود.
  - **شبه جمله:** گاهی اوقات یک عبارت یا جمله می‌تواند به عنوان یک عضو از جمله عمل کند.
  - **حروف جر:** حروفی هستند که برای اتصال کلمات و عبارات به یکدیگر استفاده می‌شوند.
  - **مؤکد معنوی:** کلمه‌ای است که برای تاکید بر معنای کلمه دیگری به کار می‌رود.
- نتیجه‌گیری:**
- اشتباه اصلی در گزینه ۴، اشتباه در تشخیص نقش دستوری کلمه "سکوتاً" بوده است. با درک صحیح نقش هر کلمه و ساختار جمله، می‌توان به تحلیل دقیق و صحیحی از عبارت دست یافت.

۵۸۳۶. گزینه ۴

- **لقینا:** فعل ماضی، برای متکلم (ما)، معتل و ناقص است. فاعل آن ضمیر "نا" بارز است و جمله فعلیه است.
- **اشتباه:** ذکر این که این جمله "صلة" است و "رابط" آن ضمیر "نا" است، اشتباه است.
- **دلیل اشتباه:** صله، جمله صرفی است که به اسم موصول یا ظرف یا زمان یا شرط یا قسم می‌پیوندد و معمولاً خبر برای آن است. در این جمله، هیچ اسم موصول، ظرف، زمان، شرط یا قسمی وجود ندارد که این جمله به آن پیوسته باشد. بنابراین، این جمله نمی‌تواند صله باشد.
- **تحلیل صحیح:** جمله "لقینا" یک جمله مستقل و کامل است که به جمله قبلی وابسته است و معنای آن را تکمیل می‌کند.

#### مقایسه با گزینه‌های دیگر و دلایل عدم انتخاب آن‌ها

- **گزینه ۱:** تحلیل کلمه "کما" صحیح است. کاف در اینجا به معنای اسم غیر متصرف و ملازم با اضافه است و "ما" موصول عام و مضاف‌الیه است.
  - **گزینه ۲:** تحلیل فعل "یلقی" نیز صحیح است. این فعل مضارع، برای غائب، سه حرفی ساده، متعدی و مرفوع است.
  - **گزینه ۳:** تحلیل فعل "أفیقوا" نیز صحیح است. این فعل امر، برای مخاطب، مشتق سه حرفی، معتل و اجوف است.
- بررسی تخصصی‌تر گزینه‌های دیگر و قواعد صرفی و نحوی آن‌ها**
- **کاف در "کما":** این کاف به عنوان حرف جر استفاده شده و به معنای "مثل" یا "مانند" است. در اینجا، به کلمه "لقینا" اشاره دارد و نشان می‌دهد که دیگران نیز مانند ما (لقینا) خواهند دید.
  - **موصول "ما":** موصول عام است و به چیزی اشاره می‌کند که قبلاً ذکر نشده است. در اینجا به "الشامتون" اشاره دارد.
  - **فعل مضارع "یلقی":** این فعل به آینده اشاره دارد و نشان می‌دهد که دیگران نیز مانند ما (لقینا) خواهند دید.
  - **فعل امر "أفیقوا":** این فعل برای مخاطب (الشامتون) به کار رفته است و به معنای "بیدار شوید" است.
  - **فعل ماضی "لقینا":** این فعل به گذشته اشاره دارد و نشان می‌دهد که ما قبلاً چیزی را دیده‌ایم.

#### اطلاعات تکمیلی و تخصصی

- **صلة و رابط:** صله، جمله‌ای است که به اسم موصول، ظرف، زمان، شرط یا قسم می‌پیوندد و معمولاً خبر برای آن است. رابط، کلمه‌ای است که صله را به جمله اصلی وصل می‌کند.
- **انواع فعل:** فعل به سه نوع مضارع، ماضی و امر تقسیم می‌شود. هر یک از این انواع، ویژگی‌های خاص خود را دارند.
- **اعراب افعال:** افعال به حسب نقششان در جمله، اعراب مختلفی می‌گیرند.
- **اسماء و انواع آن:** اسماء به انواع مختلفی مانند اسم، ضمیر، صفت، فعل ماضی، فعل امر و حرف تقسیم می‌شوند.
- **جملات فعلیه و اسمیه:** جمله فعلیه جمله‌ای است که فعل آن ظاهر باشد و جمله اسمیه جمله‌ای است که فعل آن ظاهر نباشد.

#### نتیجه‌گیری:

اشتباه اصلی در گزینه ۴، ذکر صله بودن جمله "لقینا" است. این جمله یک جمله مستقل و کامل است و به هیچ اسم موصول یا کلمه دیگری وابسته نیست. با درک دقیق قواعد صرفی و نحوی، می‌توانیم به راحتی این نوع اشتباهات را شناسایی و تصحیح کنیم.



۵۸۳۷. گزینه ۱)

گزینه ۱ حاوی اشتباه است. تحلیل فعل "تمیل" به عنوان "فعل جواب شرط و مرفوع وجوباً" نادرست است.

- دلیل اشتباه: در این جمله، فعل شرط "رأت" است و فعل جواب شرط باید در محل نصب باشد نه رفع.
- تحلیل صحیح: فعل "تمیل" در جواب شرط "إن" آمده است و باید مجزوم باشد. دلیل وجوب نصب یا رفع فعل جواب شرط، نوع فعل شرط است. اگر فعل شرط ماضی باشد، فعل جواب شرط مجزوم می‌شود و اگر فعل شرط مضارع باشد، فعل جواب شرط مرفوع می‌شود. در این جمله، فعل شرط "رأت" ماضی است، بنابراین فعل جواب شرط "تمیل" باید مجزوم باشد.

#### مقایسه با گزینه‌های دیگر و دلایل عدم انتخاب آن‌ها

- گزینه ۲: تحلیل کلمه "أشياء" صحیح است. این کلمه اسم "کان" موخر است و مرفوع می‌باشد.
- گزینه ۳: تحلیل فعل "رأت" صحیح است. این فعل شرط است و مجزوم می‌باشد.
- گزینه ۴: به جز قسمت مربوط به فعل "نک" که در بخش قبلی توضیح داده شد، بقیه تحلیل این گزینه صحیح است. فعل "نک" از افعال ناقصه و از نوع نواسخ است و جمله بعد از آن خبر برای آن است.

#### بررسی تخصصی تر گزینه‌های دیگر و قواعد صرفی و نحوی آن‌ها

- فعل شرط و جواب شرط: فعل شرط فعلی است که شرط وقوع فعلی دیگر را بیان می‌کند و فعل جواب شرط، فعلی است که در جواب شرط بیان می‌شود.
- نصب و رفع فعل جواب شرط: نصب و رفع فعل جواب شرط به نوع فعل شرط بستگی دارد.
- افعال ناقصه و نواسخ: افعال ناقصه افعالی هستند که به تنهایی معنای کاملی ندارند و نیاز به کلمه دیگری دارند تا معنای آن‌ها کامل شود. افعال نواسخه نوعی از افعال ناقصه هستند که برای نفی یا تأکید یا ترغیب و مانع آن به کار می‌روند.
- اسم و خبر: اسم، اسمی است که به آن خبر داده شود و خبر، کلمه‌ای است که درباره اسم توضیح می‌دهد.
- جمع مکسر و ممنوع از صرف: جمع مکسر، جمعی است که از ترکیب حروف ساخته می‌شود و ممنوع از صرف، اسمی است که نمی‌توان آن را تصریف کرد.

#### اطلاعات تکمیلی و تخصصی

- انواع شرط: شرط به انواع مختلفی مانند شرط جزم، شرط جزم و جزم، شرط جزم و رفع تقسیم می‌شود.
- افعال ناقصه دیگر: علاوه بر "کان"، افعال دیگری مانند "لا"، "لیس"، "إنما" نیز از افعال ناقصه هستند.
- شبه جمله: شبه جمله عبارت است از مجموعه‌ای از کلمات که معنای جمله را می‌رساند اما از نظر ساختاری جمله کامل نیست.
- اعراب حروف: حروف نیز مانند اسماء و افعال، اعراب می‌گیرند.

#### نتیجه‌گیری:

اشتباه اصلی در گزینه ۱، عدم توجه به قاعده نصب و رفع فعل جواب شرط است. با درک دقیق قواعد شرط و جواب شرط و همچنین انواع افعال و اعراب آن‌ها، می‌توان به راحتی این نوع اشتباهات را شناسایی و تصحیح کرد.

۵۸۳۸. گزینه ۴)

- أنتما لم تدعوا: این جمله به معنای "شما دو نفر مرد نخواندید" است. فعل "تدعوا" با ضمیر "أنتما" که به معنای "شما دو نفر مذکر" است، سازگار است.
- أنتما لن ترمیان: این جمله به معنای "شما دو نفر زن نخواهید انداخت" است. فعل "ترمیان" با ضمیر "أنتما" که به معنای "شما دو نفر مؤنث" است و با حرف نفی "لن" برای بیان آینده همراه شده، سازگار است.

#### دلایل انتخاب گزینه ۴ و مقایسه با گزینه‌های دیگر

- تطابق ضمیر و فعل: در گزینه ۴، ضمیر "أنتما" و افعال "تدعوا" و "ترمیان" از نظر جنس و عدد با هم مطابقت دارند.
- استفاده صحیح از حرف نفی: حرف نفی "لن" به درستی با فعل مضارع برای بیان آینده همراه شده است.
- دلایل نادرست بودن گزینه‌های دیگر:

- گزینه ۱: در این گزینه، فعل "ترمین" با ضمیر "أنتن" که به معنای "شما زنان" است، از نظر جنس مطابقت ندارد.



- گزینه ۲: در این گزینه، فعل "ترمین" با ضمیر "أنتن" و حرف نفی "لن" به درستی همراه شده، اما فعل "تدعوا" با ضمیر "أنتم" از نظر عدد مطابقت ندارد.
- گزینه ۳: در این گزینه، فعل "ترمیان" با ضمیر "أنتما" از نظر عدد مطابقت ندارد. علاوه بر این، استفاده از فعل مضارع "ترمیان" در جواب جمله منفی "لم تدعوا" نیز صحیح نیست.

### بررسی تخصصی‌تر گزینه‌های دیگر و قواعد صرفی و نحوی آن‌ها

- ضمایر متصل: ضمایر متصل به فعل متصل می‌شوند و نشان دهنده فاعل یا مفعول جمله هستند.
- صیغه افعال: صیغه افعال بر اساس جنس، عدد و شخص تغییر می‌کند.
- حروف نفی: حروف نفی مانند "لم" و "لن" برای نفی جملات استفاده می‌شوند.
- تطابق ضمیر و فعل: ضمیر و فعل باید از نظر جنس، عدد و شخص با هم مطابقت داشته باشند.
- اطلاعات تکمیلی و تخصصی
- انواع ضمایر: ضمایر به انواع مختلفی مانند ضمایر متصل، منفصل، موصول و اشاره تقسیم می‌شوند.
- افعال مضارع، ماضی و امر: هر یک از این افعال دارای قواعد خاص خود برای صرف هستند.
- حروف شرط و جواب شرط: حروف شرط مانند "إن" و "إذا" برای بیان شرط استفاده می‌شوند و فعل جواب شرط، فعلی است که در جواب شرط بیان می‌شود.
- افعال ناقصه و نواسخ: افعال ناقصه افعالی هستند که به تنهایی معنای کاملی ندارند و نیاز به کلمه دیگری دارند تا معنای آن‌ها کامل شود. افعال نواسخ نوعی از افعال ناقصه هستند که برای نفی یا تأکید یا ترغیب و مانند آن به کار می‌روند.

### نتیجه‌گیری:

تطابق ضمیر و فعل از مهم‌ترین قواعد صرف و نحو زبان عربی است. در این سوال، گزینه ۴ به دلیل تطابق کامل ضمایر و افعال، گزینه صحیح است. با درک دقیق قواعد صرف و نحو، می‌توان به راحتی اشتباهات در صیغه افعال را شناسایی و تصحیح کرد.

۵۸۳۹. گزینه ۳

- توضیح کامل: در این گزینه، خطا در استفاده از فعل "یکرمین" است. فعل "یکرمین" فعل مضارع مرفوع است که برای ضمیر "من" (که ضمیر مبهم است و به گروهی از مردان اشاره دارد) به کار رفته است. اما در اینجا باید فعل مضارع مجزوم "یکرمین" به کار می‌رفت، زیرا "من" در این جمله اسم موصول است و فعل بعد از آن باید مجزوم باشد.
- تحلیل صرفی و نحوی:
  - "زُنا": فعل ماضی، مفعول به آن ضمیر "نا" است.
  - "من الإخوان": جار و مجرور، "من" حرف جر و "الإخوان" اسم مجرور است.
  - "من": اسم موصول، فاعل برای فعل "یکرمین" است.
  - "یکرمین": فعل مضارع مرفوع (به اشتباه)، باید مجزوم باشد.
  - "الضيوف": مفعول به برای فعل "یکرمین".

### دلایل خطا نبودن گزینه‌های دیگر:

- گزینه ۱: در این گزینه، همه افعال به درستی با ضمایر و اسامی مربوطه مطابقت دارند.
- گزینه ۲: در این گزینه، فعل "تصبر" به درستی با اسم موصول "من" مطابقت دارد.
- گزینه ۴: در این گزینه، خطا در استفاده از فعل "تصبرن" است. این فعل برای ضمیر "من" (که ضمیر مبهم است و به گروهی از زنان اشاره دارد) به کار رفته است، در حالی که باید فعل "تصبرن" به کار می‌رفت.

### نکته‌های دستوری:

- اسم موصول: اسم موصول کلمه‌ای است که برای وصل دو جمله به یکدیگر به کار می‌رود و معمولاً به جای اسمی می‌آید.
- فعل بعد از اسم موصول: فعلی که بعد از اسم موصول می‌آید، معمولاً مجزوم است.
- تطبیق فعل با فاعل: فعل باید با فاعل خود در جنس، عدد و شخص مطابقت داشته باشد.

- ضمایر مبهم: ضمایر مبهم ضمایی هستند که به گروهی نامشخص اشاره دارند.
- اطلاعات تکمیلی:
- انواع اسم موصول: اسم موصول انواع مختلفی دارد مانند "من"، "الذی"، "اللتی" و...
- جملات شرطیه: در جملات شرطیه، فعل بعد از اسم موصول معمولاً مجزوم است.
- نتیجه‌گیری:
- با توجه به تحلیل‌های ارائه شده، گزینه ۳ تنها گزینه دارای خطا است و آن هم در استفاده نادرست از فعل بعد از اسم موصول است. سایر گزینه‌ها از نظر قواعد صرفی و نحوی صحیح هستند.
- ۵۸۴۰. گزینه ۲)
- توضیح کامل: در این گزینه، صیغه تصغیر "عُودِة" برای کلمه "عِدَة" صحیح نیست. قاعده کلی در تصغیر کلمات این است که حرف عله (الف، واو، یا یاء) در اصل کلمه حفظ شود و در صیغه تصغیر نیز تکرار شود. در کلمه "عِدَة"، حرف عله "ع" است که در صیغه تصغیر باید حفظ شود و به صورت "عُودِة" تصغیر شود. بنابراین، صیغه تصغیر صحیح برای "عِدَة" عبارت است از "عُودِة".
- تحلیل صرفی و نحوی:
- عِدَة: اسم، جمع، مفرد آن "عِدَة" به معنای ابزار یا وسیله است.
- عُودِة: صیغه تصغیر نادرست از کلمه "عِدَة".
- دلایل خطا نبودن گزینه‌های دیگر:
- گزینه ۱: سربال - سُرْبیل: هر دو کلمه صیغه تصغیر صحیح هستند و قاعده تصغیر در آن‌ها رعایت شده است.
- گزینه ۳: أطراف - أُطْرَاف: هر دو کلمه صیغه تصغیر صحیح هستند و قاعده تصغیر در آن‌ها رعایت شده است.
- گزینه ۴: مکتوب - مُکِیتِیب: هر دو کلمه صیغه تصغیر صحیح هستند و قاعده تصغیر در آن‌ها رعایت شده است.
- نکته‌های دستوری:
- صیغه تصغیر: صیغه تصغیر برای کوچک نشان دادن چیزی به کار می‌رود و با افزودن حروف خاصی به آخر کلمه اصلی ایجاد می‌شود.
- قاعده تصغیر: در بیشتر موارد، حرف عله (الف، واو، یا یاء) در اصل کلمه در صیغه تصغیر حفظ می‌شود.
- استثنائات در تصغیر: برخی کلمات استثنائاتی دارند و قاعده کلی تصغیر در آن‌ها رعایت نمی‌شود.
- نتیجه‌گیری:
- با توجه به تحلیل‌های ارائه شده، گزینه ۲ تنها گزینه دارای خطا در صیغه تصغیر است. سایر گزینه‌ها از نظر قواعد صرفی و نحوی صحیح هستند.
- ۵۸۴۱. گزینه ۴)
- توضیح کامل: در این گزینه، فعل "تتقدّم" فعل مضارع مرفوع است. این فعل نشان می‌دهد که عمل پیشرفت کردن در آینده و به دنبال اهتمام به زبان‌های سامی رخ خواهد داد. حرف "فت" در اینجا حرف عطف است که دو جمله را به هم وصل می‌کند و فعل دوم را به فعل اول وابسته می‌کند.
- تحلیل صرفی و نحوی:
- تتقدّم: فعل مضارع مرفوع، مجرد ثلاثی، و فاعل آن ضمیر مستتر "أنت" است.
- فت: حرف عطف، برای وصل دو جمله به هم به کار می‌رود.
- دلایل عدم انتخاب گزینه‌های دیگر:
- گزینه ۱: قد یهتدی العنود فنأمل منه الخیر! در این گزینه، هر دو فعل "یهتدی" و "نأمل" مضارع هستند، اما هیچکدام مرفوع نیستند. فعل "یهتدی" مجزوم است زیرا بعد از حرف شرط "قد" آمده و فعل "نأمل" نیز منصوب است زیرا مفعول به برای فعل محذوف (یعنی "نحن") است.
- گزینه ۲: لا تعص الله و ینزلّ علیک النعمة! در این گزینه، فعل "تعص" فعل امر است و فعل "ینزلّ" نیز مضارع است اما مرفوع نیست بلکه مجزوم است زیرا بعد از حرف نفی "لا" آمده است.



- گزینه ۳: لا تعاشر البخلاء و تكذب في الكلام! در این گزینه، هر دو فعل "تعاشر" و "تكذب" فعل امر هستند و هیچکدام مضارع مرفوع نیستند.

#### نکته‌های دستوری:

- فعل مضارع مرفوع: فعلی است که بر انجام فعلی در آینده یا حال دلالت دارد و علامت رفع آن ضمه ظاهری یا مقدره است.
- حروف شرط: حروف شرط مانند "إن"، "إذا"، "متى" و "قد" بر وقوع شرطی دلالت دارند و فعل بعد از آن‌ها معمولاً مجزوم می‌شود.
- حرف نفی: حرف نفی مانند "لا" برای نفی جمله به کار می‌رود و فعل بعد از آن معمولاً مجزوم می‌شود.
- حرف عطف: حرف عطف برای وصل دو جمله یا کلمه به هم به کار می‌رود.

#### اطلاعات تکمیلی:

- انواع فعل از نظر زمان: افعال به ماضی، مضارع و امر تقسیم می‌شوند.
- انواع فعل از نظر نوع: افعال به مجرد و مزید تقسیم می‌شوند.
- حروف ناصبه و جازه: حروف ناصبه و جازه حرفی هستند که بر روی حالت فعل تأثیر می‌گذارند.
- جملات شرطیه و جزایی: جملات شرطیه و جزایی جملاتی هستند که یک شرط و نتیجه آن را بیان می‌کنند.

#### نتیجه‌گیری:

با توجه به تحلیل‌های ارائه شده، گزینه ۴ تنها گزینه صحیح است که در آن فعل "تتقدم" به درستی به عنوان فعل مضارع مرفوع شناسایی شده است. سایر گزینه‌ها به دلایل مختلف دارای خطای نحوی هستند.

۵۸۴۲. گزینه ۲)

#### توضیح جامع گزینه ۲:

در این جمله، شرط (متی تصمد) و جواب شرط (يقدر لك النصر) به هم مرتبط هستند و معنای علت و معلولی دارند. یعنی اگر کسی مقاومت کند (شرط)، پیروزی به او داده خواهد شد (جواب شرط). در این ساختار، وجود فاء الجزاء (مانند "ف") ضروری نیست، زیرا رابطه بین شرط و جواب شرط به طور ضمنی و از طریق معنای جمله مشخص است.

#### تجزیه و تحلیل صرفی و نحوی گزینه ۲:

- متی: حرف شرط (زمان)
- تصمد: فعل مضارع، ماضی، مذکر، واحد، دوم شخص، مخاطب، معلوم، مجرد
- يقدر: فعل مضارع، ماضی، مذکر، واحد، غایب، معلوم، مزید
- لك: ضمیر متصل، مذکر، واحد، مضاف الیه
- النصر: اسم، مفعول به

#### بررسی تخصصی گزینه‌های دیگر و دلایل عدم انتخاب:

- گزینه ۱: در این جمله، "ان يُتَحَفَك" یک جمله اسمیه است و به فاء الجزاء نیاز ندارد. اما برای اتصال بهتر به جمله دوم ("هو متلطف!"), می‌توان از فاء الجزاء استفاده کرد.
- گزینه ۳: این جمله نیز به فاء الجزاء نیاز ندارد، زیرا رابطه بین فعل و فاعل و مفعول به طور مستقیم بیان شده است.
- گزینه ۴: در این جمله، "ما تعمل" یک اسم مصدری است و "من صالح" مضاف الیه آن است. جمله به فاء الجزاء نیاز ندارد، اما برای تأکید بر نتیجه عمل، می‌توان از فاء الجزاء استفاده کرد.

#### دلایل عدم انتخاب گزینه‌های دیگر:

- گزینه ۱ و ۳: این دو گزینه به طور کلی ساختار درستی دارند و به فاء الجزاء نیاز ندارند. اما استفاده از فاء الجزاء در این جملات می‌تواند تأکید بیشتری بر رابطه بین اجزای جمله ایجاد کند.
- گزینه ۴: این گزینه نیز ساختار درستی دارد، اما استفاده از فاء الجزاء می‌تواند به جمله زیبایی و روانی بیشتری ببخشد.

#### اطلاعات تکمیلی و تخصصی:

- فاء الجزاء: حرفی است که برای اتصال جمله شرط به جمله جواب شرط استفاده می‌شود و معمولاً معنای "پس" یا "آنگاه" را می‌دهد.



- جملات شرطی: جملاتی هستند که در آن‌ها شرطی بیان می‌شود و نتیجه‌ای برای آن شرط ذکر می‌شود.
- افعال مضارع: افعالی هستند که وقوع فعلی را در زمان حال یا آینده بیان می‌کنند.
- اسماء: کلماتی هستند که برای اشاره به اشخاص، اشیاء، مکان‌ها و مفاهیم استفاده می‌شوند.
- ضمایر: کلماتی هستند که به جای اسم‌ها استفاده می‌شوند و به شخص گوینده، مخاطب یا شخص ثالث اشاره می‌کنند.

نتیجه‌گیری:

در سوال مطرح شده، گزینه ۲ به دلیل داشتن ساختار شرطی صحیح و عدم نیاز به فاء الجزاء، گزینه مناسب است. سایر گزینه‌ها نیز به لحاظ ساختاری صحیح هستند، اما استفاده از فاء الجزاء در آن‌ها می‌تواند جمله را زیباتر و تأکیدی‌تر کند.

۵۸۴۳. گزینه (۱)

دلایل انتخاب گزینه ۱ و مقایسه با سایر گزینه‌ها:

در این گزینه، فعل ماضی "بَعْتُكَ" (فروختم) به رغم اینکه در زمان گذشته آمده است، اما دلالت بر حال می‌کند. این به دلیل نوع جمله و کاربرد فعل در آن است. در واقع، فروشنده در لحظه گفتگو، عمل فروش را به اطلاع خریدار می‌رساند و این عمل از نظر او همچنان دارای اهمیت و ارتباط با حال است. این نوع کاربرد فعل ماضی در عربی، "ماضی قریب" نامیده می‌شود و برای بیان اعمالی که در گذشته نزدیک اتفاق افتاده و هنوز هم تأثیر آن‌ها احساس می‌شود، استفاده می‌شود.

• مقایسه با گزینه‌های دیگر:

- گزینه ۲: فعل ماضی "رحم الله" (خداوند رحمت کند) یک دعا است و به زمانی گذشته اشاره دارد که ممکن است بسیار دور باشد.
- گزینه ۳: فعل ماضی "لا تبتعدت" (دوری می‌کردی) در یک جمله شرطی قرار دارد و به یک عمل احتمالی در آینده اشاره دارد.
- گزینه ۴: فعل ماضی "عزمت" (تصمیم گرفتی) نیز به گذشته اشاره دارد و بیانگر یک عمل انجام شده است.

تجزیه و تحلیل صرفی و نحوی گزینه ۱:

- قال: فعل ماضی، سالم، مذکر، واحد، غایب
- البائع: اسم، فاعل
- فی: حرف جر
- مکتبه: اسم، مفعول فیه
- بعْتُک: فعل ماضی، مزید، مذکر، واحد، متکلم، مخاطب، معلوم
- سیَّرتی: اسم، مفعول به

دلایل عدم انتخاب گزینه‌های دیگر:

- گزینه ۲: این جمله یک دعا است و فعل ماضی آن به زمان گذشته‌ای دور اشاره دارد.
- گزینه ۳: فعل ماضی در این جمله در یک جمله شرطی قرار دارد و به آینده اشاره دارد.
- گزینه ۴: فعل ماضی در این جمله به یک عمل گذشته اشاره دارد.

نتیجه‌گیری:

در این سوال، گزینه ۱ به دلیل استفاده از فعل ماضی قریب و دلالت بر حال، گزینه صحیح است. سایر گزینه‌ها به دلیل تفاوت در زمان و کاربرد فعل، گزینه‌های مناسبی نیستند.

۵۸۴۴. گزینه (۴)

دلایل انتخاب گزینه ۴ و مقایسه با سایر گزینه‌ها:

در این گزینه، فعل "سمعت" (شنیدی) دارای فاعل "هل" (آیا) است و مفعولی ندارد. جمله به صورت جمله‌ی انشایی استفهامیه (سوالی) آمده و هدف آن پرسش از شنیدن دروغ و غیبت از طرف مخاطب است. در این ساختار، کلمات "الکذب" (دروغ) و "الغیبة" (غیبت) نقش مفعول به را ایفا نمی‌کنند، بلکه به عنوان موضوع جمله عمل می‌کنند.



• مقایسه با گزینه‌های دیگر:

- گزینه ۱: در این گزینه، "الناس" مفعول به فعل "أجدر" (سزاوارتر) است.
- گزینه ۲: در این گزینه، "هما" (هر دو) مفعول به فعل "محمودتان" (وصف شایسته‌ای هستند) است.
- گزینه ۳: در این گزینه، "الیتیم" (یتیم) مفعول به فعل "أخذت" (گرفتی) و "مأمن" (مکانی امن) مفعول به فعل "ذهبت" (رفتی) است.

تجزیه و تحلیل صرفی و نحوی گزینه ۴:

- الکذب: اسم، مرفوع
- والغیبة: اسم، مرفوع، عطف بر کلمه قبل
- هل: حرف استفهام
- سمعت: فعل ماضی، سالم، مؤنث، واحد، مخاطب، معلوم
- منّا: ضمیر متصل، منفصل، جار و مجرور
- دلایل عدم انتخاب گزینه‌های دیگر:
- گزینه ۱: در این گزینه، "الناس" به عنوان مفعول به فعل "أجدر" عمل می‌کند.
- گزینه ۲: در این گزینه، "هما" به عنوان مفعول به فعل "محمودتان" عمل می‌کند.
- گزینه ۳: در این گزینه، هم "الیتیم" و هم "مأمن" به عنوان مفعول به افعال مربوطه عمل می‌کنند.
- اطلاعات تکمیلی و تخصصی:
- مفعول به: اسمی است که فعل بر آن واقع شود و معمولاً عمل فعل بر آن صورت می‌گیرد.
- جمله انشایی استفهامیه: جمله‌ای است که برای پرسش استفاده می‌شود.
- عطف: پیوستن دو کلمه یا عبارت به یکدیگر به گونه‌ای که هر دو یک نقش نحوی را ایفا کنند.

نتیجه‌گیری:

در این سوال، گزینه ۴ به دلیل عدم وجود مفعول به برای فعل "سمعت" و ساختار خاص جمله، گزینه صحیح است. سایر گزینه‌ها به دلیل وجود مفعول به در ساختار جمله، گزینه‌های مناسبی نیستند.

۵۸۴۵. گزینه ۳

در این گزینه، ساختار مفعول به برای مجهول به درستی رعایت نشده است. فعل "یدرک" (درک می‌شود) به صورت مجهول آمده، اما مفعول به آن که "الحق" (حق) است، باید به صورت اسم مرفوع باشد. در حالی که در اینجا به صورت منصوب آمده است.

• مقایسه با گزینه‌های دیگر:

- گزینه ۱: در این گزینه، هر دو فعل "یغار علیه" و "یغیر" به درستی به صورت مجهول آمده‌اند و مفعول به‌های آن‌ها نیز به صورت اسم مرفوع است.
- گزینه ۲: در این گزینه، فعل "یتعظ" به صورت مجهول آمده و مفعول به آن "بمن سبقه" نیز به صورت اسم مرفوع است.
- گزینه ۴: در این گزینه، فعل "ترک" به صورت مجهول آمده و مفعول به آن "الجهاد" نیز به صورت اسم مرفوع است.

تجزیه و تحلیل صرفی و نحوی گزینه ۳:

- لا: حرف نفی
- یدرک: فعل مضارع، مرفوع، مجهول
- الحق: اسم، مفعول به (باید مرفوع باشد)
- إلا: حرف استثناء
- بوواسطة: حرف جر
- من: حرف جر
- يطلبه: فعل مضارع، مرفوع، معلوم



دلایل عدم انتخاب گزینه‌های دیگر:

- گزینه ۱ و ۲ و ۴: در این گزینه‌ها، ساختار مفعول به برای مجهول به درستی رعایت شده است و مفعول به‌های افعال مجهول به صورت اسم مرفوع آمده‌اند.

اطلاعات تکمیلی و تخصصی:

- مفعول به برای مجهول: اسمی است که فعل مجهول بر آن واقع می‌شود و نشان می‌دهد چه چیزی یا چه کسی مورد عمل قرار گرفته است.
- اسم مرفوع: اسمی است که بر روی آن حرکت رفع (ضمه) واقع شده باشد.
- فعل مجهول: فعلی است که فاعل آن مشخص نیست یا اهمیت ندارد و عمل فعل بر روی مفعول صورت می‌گیرد.

نتیجه‌گیری:

در این سوال، گزینه ۳ به دلیل اشتباه در ساختار مفعول به برای مجهول، گزینه صحیح است. در سایر گزینه‌ها، ساختار مفعول به برای مجهول به درستی رعایت شده است.

۵۸۴۶. گزینه ۳

در این گزینه، فعل مضارع "لینجحن" به اشتباه مرفوع آمده است. در حالی که بعد از "ما کان" باید فعل مضارع مجزوم بیاید. دلیل این امر آن است که "ما کان" یک فعل ناقص است و فعل مضارع بعد از آن را مجزوم می‌کند.

مقایسه با گزینه‌های دیگر:

- گزینه ۱: در این گزینه، فعل مضارع "تنجن" مرفوع آمده که صحیح است، زیرا بعد از حرف نداء "اینها" فعل مضارع مرفوع می‌آید.
- گزینه ۲: در این گزینه، فعل مضارع "لینجحن" مجزوم آمده که صحیح است، زیرا بعد از "ما کانت" فعل مضارع مجزوم می‌آید.
- گزینه ۴: در این گزینه، فعل مضارع "تنجحا" مرفوع آمده که صحیح است، زیرا بعد از حرف نداء "ایها" فعل مضارع مرفوع می‌آید.

تجزیه و تحلیل صرفی و نحوی گزینه ۳:

- ما: حرف نفی
- کان: فعل ماضی، ناقص
- المتکاسلون: اسم، فاعل
- لینجحن: فعل مضارع، مجزوم (باید مجزوم باشد)
- فی: حرف جر
- الامتحان: اسم، مفعول فیه

دلایل عدم انتخاب گزینه‌های دیگر:

- گزینه ۱ و ۴: در این گزینه‌ها، فعل مضارع بعد از حرف نداء آمده و به درستی مرفوع شده است.
- گزینه ۲: در این گزینه، فعل مضارع بعد از "ما کانت" آمده و به درستی مجزوم شده است.

اطلاعات تکمیلی و تخصصی:

- فعل مضارع: فعلی است که وقوع فعلی را در زمان حال یا آینده بیان می‌کند.
- فعل ناقص: فعلی است که به تنهایی معنای کاملی ندارد و نیاز به فعل دیگری دارد تا جمله کامل شود.
- جزم فعل مضارع: حذف حرکت یا حذف حرف از آخر فعل مضارع برای نشان دادن اینکه فعل مجزوم است.

نتیجه‌گیری:

در این سوال، گزینه ۳ به دلیل اشتباه در اعراب فعل مضارع، گزینه صحیح است. در سایر گزینه‌ها، اعراب فعل مضارع به درستی انجام شده است.